



وحدت

انگشت



شهید آیت الله مدرس اتحاد و همبستگی

برگرفته از کتاب سرگذشت، افکار و آثار سید حسن مدرس
اثر محمد صادق مزینانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۷.....اتحاد ملی و همبستگی اسلامی
- ۸.....دعوت به اتحاد ملی
- ۱۲.....احزاب ساختگی
- ۱۶.....پیروزی و پیشرفت در پرتو همبستگی جهان اسلام

اتحاد ملی و همبستگی اسلامی

شهید مدرس به اتحاد و همگرایی در میان ملت ایران و همبستگی در سطح جهان باور عمیق داشت و آن را ضرورتی انکارناپذیر برای ایران و جهان اسلام و اصلی اصیل می‌دانست که مردم مسلمان ایران و مسلمانان جهان همه وقت باید بدان وفادار باشند. از این روی از یک سو، مردم، علما، نمایندگان مجلس و مسؤولان نظام را در چهارچوب مصالح عمومی و منافع ملی به وحدت و همبستگی تشویق می‌کرد و از سوی دیگر زمینه ساز تلاش و حرکتی در خور برای تقویت همبستگی ملتهای مسلمان با هدف دفاع از کیان اسلام و مسلمانان بود.

دعوت به اتحاد ملی

مدرس از هر فرصتی در مجلس و خارج از مجلس استفاده میکرد تا علما، مردم و نمایندگان مجلس را به وحدت اصولی و پرهیز از اختلاف و دسته بندی فرا بخواند. او نه تنها در سخن که در عمل نیز هوادار اصل یاد شده بود و در طول حیات سیاسی پای بندی خود را بدان نشان داد. برای نمونه هنگامی که به اصفهان سفر کرد، مردم اصفهان و به ویژه روحانیت و علمای بزرگ آن خطه از او استقبال شایانی کردند. در آن جمع امام جمعه سیدالعراقین، حاج آقا نورالله خاتون آبادی، روضاتی، کلباسی وعده ای دیگر از علما حضور داشتند. مرحوم صدر المحدثین ضمن سخنانی به نمایندگی از مدرس گفت: «مردم اصفهان آیه الله مدرس می فرمایند: اتحاد داشته باشید، علما وحدت داشته باشید میدان را خالی نکنید! اگر کنار رفتید، مملکت به خطر خواهد افتاد.»

ایشان پس از آنکه از قول مدرس بر حضور علما در صحنه تأکید کرد و آنان را به الگو گیری از امام علی دعوت کرد، یادآور شد: «آیه الله مدرس می فرمایند: خطری بزرگ ممکت را تهدید میکند. من بعینه میبینم که دستی در کار است تا بین مردم اختلاف بیندازند و علما را خانه نشین کنند بر شماسست که ایستادگی کنید.»^۱

مدرس در دوره های پنجگانه مجلس که در آن حضور داشت، همواره بر اهمیت و ضرورت وحدت نیروها به ویژه نمایندگان مجلس و کارگزاران دولت تأکید می کرد. برای نمونه در دوره دوم مجلس در جلسه ۲۰۲، حفظ کشور و مجلس را موقوف «بر کلمه جامعه اتحاد، یعنی اتحاد در غرض نه اتحاد در سلیقه»^۲ می دانست و در تفسیر آن گفت: «البته جماعتی از عقلا، سلیقه شان در مطالب مختلف است، اما در غرض یکی است. باید حفظ آن مرتبه را کرد».^۳ در ادامه سخن، نمایندگان را از هواپرستی و غرض پرهیز می داد و درباره رخدادهای چند روز اخیر مجلس میگوید: «شان و کلا که به منزله میلیونها از مسلمین هستند، اجل از این است که از روی غرض و خدای نخواستہ از روی عمد، اقدامی که موجب ضعف و سستی این اساس باشد، بکنند».^۴

او نمایندگان را به تحمل کردن یکدیگر و پرهیز از اختلاف توصیه می کرد: بنده خواهشمندم که به نحو اخوت و یک جهتی از رئیس و مرؤوس، اعالی و ادانی و کل آن کسانی که عاشق این اساس مشروطیت هستند که خذ الغایات و اترک المبادی، این جزئیات را متارکه به اصل غرض و اصل مقصودی که برای تمام مسلمانان است، پردازند و ابدا نکته گیری از همدیگر نکنند».^۵

۱. ر.ک: مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.

۲. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۱۰.

۳. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۱۰.

۴. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۱۰.

۵. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۱۱.

و نیز در جلسه ۲۱۸ راه حل ناتوانی و خرابی کشور را اتحاد و همبستگی همه شهروندان حتی بدون توجه به اختلافات اعتقادی آنان میدانست و میگفت: غرض این است که ما از آن راهی که اموراتمان فاسد شد، از همان راه باید اموراتمان را اصلاح بکنیم در مملکت ایران چهار برادر بودند که اینها با هم مبیانت داشتند، مملکت از دست رفت به جهت این اساس مقدس مجلس این مبیانت به کلی باید رفع بشود تا آن خرابی‌ها را که می‌دانید برگردد آباد شود. تا این هم نشود، ممکن نیست؛ به جهت اینکه فساد کارها مبیانت اهل یک مملکت بود، از یکدیگر قوه هم که تجزیه شد، البته خرابی وارد خواهد آمد. تمام مللی (ادیانی) که در ایران هستند همه باید با هم مشغول خدمت به مملکت خودشان بشوند تا اینکه مفاسدی که در این مملکت هست، رفع شود.^۶

مدرس افزون بر دعوت به اتحاد و همبستگی ملی از هر عملی که موجب تفرقه و تجزیه نیروها و تفرقه ملت و شعبه شعبه شدن آنان می‌شد، برحذر می‌داشت، حتی آن بزرگوار نام گذاری‌هایی را که سبب تفرقه می‌شدند به مصلحت کشور نمی‌دانست. او از نمایندگان می‌خواست: «اگر آقایان صلاح بدانند، خوب است نحوی رفتار کنند که خودمان را تقلیل نکنیم، تکثیر بکنیم اقلاً دسته دسته به شهادت از خودمان جدا نکنیم...»^۷. او به کسانی که به این اصل بی‌اعتنایی می‌کردند، از جمله به حزب دموکرات هشدار می‌داد و گوشزد می‌کرد: «زیاده از این قوای خود را نگاهیم و زحمت‌ها و تلاش‌هایی که برای چنین مجلسی کشیده شده است، هدر ندهید»^۸.

سپس از آنان با شدت می‌خواهد که دیدگاه‌های شخصی خود را که منشأ قانونی و سیاسی درستی ندارد، کنار بگذارند. افزون

۶. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۷

۷. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۵۷

۸. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۷۸

بر این مدرس از دسته‌ها و حزب‌های موسمی ایران که فاقد اصالت و پایگاه بودند و مرتب آب به آسیاب دشمن می‌ریختند و در جهت تفرقه حرکت می‌کردند شکوه می‌کرد و با تعبیر «حزب‌های زهرماری»، مضر بودن وجود آنان را برای همدلی و همراهی ایران و ایرانیان یادآورد می‌شد و نمایندگان احزاب یادشده را به رعایت مصالح کشور و مردم فرا می‌خواند.^۹

اعتراض و انتقاد مکرر مدرس به حزب بازی و گروه‌گرایی افراطی، ما را بر آن می‌دارد که نگاهی هر چند گذرا به این موضع کنیم.

۹. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۷۸

احزاب ساختگی

علت اینکه مدرس بارها از حزب گرایی شکوه کرده، چه بوده است؟ آیا ایشان با تحزب مخالف بود یا مخالفت او علت دیگری داشت؟ بدون تردید، مدرس با تحزب مخالفت نداشت، بلکه با باندهازی و حزب گرایی و گروه‌های افراطی مخالف بود؛ گروه‌هایی که منافع فردی و حزبی خود را بر منافع و مصالح عمومی مقدم می‌دانستند و یکی از موانع اساسی اتحاد ملی به شمار می‌آمدند.

حزب بازی و باند بازی یکی از مصیبت‌هایی است که پس از پیروزی هر انقلاب، مردم و کشور گرفتار آن می‌شوند. در جامعه‌ای که حزب بازی و گروه گرایی مرسوم گردد، عوض یاری و حمایت از یکدیگر، به عیب جویی و خرد کردن طرف مقابل می‌پردازند. در این میانه خدا و مصالح عمومی به فراموشی سپرده می‌شود و خود خواهی‌ها و گروه بازی‌ها و منافع شخصی و حزبی جای آن را می‌گیرد.

در روزگار مشروطیت جریان غیر مذهبی و وابسته به غرب برای رسیدن به اهداف و برنامه‌های خود، احزاب و دسته بندی‌هایی ساختگی و تا حدودی حساب شده را راه انداختند. آنان با اینکه از ملت ایران و خدمت برای آنان سخن می‌گفتند، ولی عملاً بذر تفرقه و نفاق می‌پاشیدند و به اسلام و ارزشهای اسلامی که ملت ایران عاشق و دلبسته آن بودند، می‌تاختند و به مسلمانان توهین می‌کردند. از باب نمونه عبدالله مستوفی که یکی از روشنفکران معتدل آن روزگار به شمار می‌آید، به افراط کاریهای مشروطه خواهان و پیامدهای آن چنین اشاره میکند:

تمامی خرابی کار مشروطه کشور ما مدیون التفاتهای همین اشخاص آزادی خواه نما بود که شکر پنیر داخل مویز کرده برای اینکه از خود بود و نمودی ظاهر سازند و خود را خیلی طرفدار آزادی نشان دهند در هر کاری به جانب اغراق رفته، موجبات دوگانگی بین ملت را فراهم می‌آورند.

یکی از موجبات نفاقی که همین آقایان بین جامعه به وجود آوردند، حمله به مذهب بود که به واسطه این عمل سفیهانه خود که هیچ نفعی برای آزادی نداشت، جماعتی از مردمان با ایمان ساده را که به واسطه پشتیبانی علما از آزادی مشروطه خواه واقعی شده بودند از این مسلک و مرام روی گردان شدند.

این آقایان در دوره مجلس اول هم در انجمنهای محلی بودند، ولی چون اکثریت با متدینین بود، جرأت اظهار نظری نمی‌کردند. در این وقت که به حساب خود، آزادی را آنها دوباره به دست آورده بودند می‌خواستند خود را از شر آخوند بازی خلاص و گذشته را مالیده کنند.^{۱۰}

نمونه دوم سخن ریچارد کاتم است که زیر عنوان «مجلس شورای ملی دچار دو دستگی» می‌نویسد:

۱۰. شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۲۸۹

تبریز در میان شهرهای ایالات ایران پرشورترین حامی مشروطیت بود و نخستین هیأت نمایندگی مجلس شورای ملی هم از این شهر روانه تهران شد. این نمایندگان به کلام الله مجید سوگند یاد کردند که از کشور و دین دفاع کنند. سالی نگذشته بود که همین هیأت، نمایندگی رهبری مبارزه و گرایشهای تفرقه جویان و چند دستگی در دولت را بر عهده گرفت.^{۱۱}

این افراد و جز اینها که بر طبل تفرقه می‌کوبیدند و با جریان مذهبی و عالمان دین مخالفت می‌کردند، همان کسانی بودند که پیش از پیروزی نهضت، خود را همگام با اسلام و جریان مذهبی و به ویژه مراجع نجف نشان می‌دادند اما پس از پیروزی نهضت به ویژه پس از فتح تهران، با هدایت و راهنمایی قبله گاه خود یعنی غرب و به ویژه انگلیس راهشان را از جریان مذهبی جدا کردند غربیها و به ویژه انگلیس با درسی که از نهضت تنباکو آموخته بودند، همدلی و همگرایی مردم و به خصوص نیروهای مذهبی و فعال کشور را به زیان سیاستهای راهبردی خود میدیدند. از این روی با به میدان آوردن نیروهای غرب زده و تشویق آنان به تأسیس حزب و راه انداختن روزنامه ها و مجله ها با همه توان درصدد برآمدند که در صف مردم، نمایندگان کارگزاران نظام و روحانیان تفرقه ایجاد کنند. مدرس با توجه به همین حزب بازیهای افراطی خطاب به شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری، از رهبران حزب دموکرات چنین گفت: «اگر مملکت ما مسلک داشت، از اول انقلاب مشروطه تا حالا بیست و پنج مرام نامه توی خانه من یافت نمی‌شد که بالأخره یکی از آنها هم صورت عملی پیدا نکرد.»^{۱۲} در ادامه، مدرس به نمایندگان درباره آفات اختلافات لفظی و تجزیه نیروی ملت هشدار میدهد و از آنان می‌خواهد به جای منافع گروه و دسته و حزب و صنف خود در فکر تمام مردم کشور و مملکت باشند: «بنده عقیده‌ام این است

۱۱. ناسیونالیسم در ایران، ص ۱۷۲.

۱۲. مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهارم جلسه ۸۲، پنجشنبه ۹ برج حمل ۱۳۰۱ ش برابر با اول شعبان ۱۳۰۴؛ مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۲۶۷.

از این اختلافات لفظی ما بعضی ضررها متوجه می شود... باید بیانات ما، قسمی باشد که نسبت به تمام مملکت خوب باشد»^{۱۳} هدف مدرس، نفی احزاب و تشکلهای و سلیقه های گوناگون نیست؛ چراکه ایشان اختلاف سلیقه را امری طبیعی می دانست و بر آن بود که هر کس آزادانه باید نظر خود را مطرح کند و نیز او تشکیلات و تحزب اصولی را باور داشت. در مصاحبه با روزنامه ایران از وی سؤال شد: راجع به تشکیلات حزبی و لزوم آنها برای یک جامعه زنده عقیده شما چیست؟ در پاسخ می فرماید:

در این بیست سال مشروطیت، متأسفانه حزبی وجود پیدا نکرده. هر چه بوده است اسم بلارسم بوده. لذا زود از بین رفته است و این یک بدبختی است که دامن گیر جامعه شده بر هرذی حسی لازم است که بذل و جهد کرده و حزبی از روی عقیده و اساس به نام «حزب وطنی» تشکیل و در تشیید مبانی آن کوشش نماید و من هم حاضریم که رسماً عضویت چنین حزبی را قبول و به طور اجتماع و هم آهنگی به وطن و مردم خدمت کنیم.^{۱۴}

مقصود مدرس نفی باندبازی و تقدم مصالح و منافع فردی بر مصالح عمومی بود. او هشدار می داد که این اختلاف سلیقه و ایجاد حزب به تضادهای بنیانی و ایران برانداز تبدیل نشود؛ چرا که دشمن به همین امر می پردازد و سعی می کند که آن را جهت دهی کند از این رو احزاب و نمایندگان مجلس و همه قشرها باید مواظب باشند که در این دام گرفتار نشوند؛ چراکه در این صورت همدلی و همفکری در معرض آسیب جدی قرار میگیرد.

۱۳. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۲۶۷

۱۴. روزنامه ایران ۱۹ تیر ۱۳۰۵؛ تاریخ معاصر ایران، ج ۹، ص ۲۰۰

پیروزی و پیشرفت در پرتو همبستگی جهان اسلام

مدرس افزون بر اتحاد ملی، اتحاد و همبستگی امت اسلامی را نیز باوری عمیق داشت و وجود آن را برای مسلمانان ضرورتی انکار ناپذیر می‌دانست. او معتقد بود امت اسلامی برای حفظ هویت و عزت خود موظف است اختلافات را کنار گذارد و در برابر دشمنان اسلام که از همه سو به کشورهای اسلامی در حال تهاجم‌اند، بایستد. آن بزرگوار پیروزی و پیشرفت مسلمانان را در پرتو اتحاد و شکست و عقب ماندگی آنان را از پیامدهای اختلافات میان مسلمانان میدانست:

اسلام یک مدتی در دنیا ترقی و توسعه پیدا کرد و آن همان مدتی بود که مسلمانان جامع (همبستگی بر محور اسلام) خودشان را حفظ کردند و بزرگان خودشان را اطاعت کردند، مواسات کردند برادری کردند و بر اکثر دنیا در زمان کمی مسلط شدند. متأسفانه در قرون اخیر از باب اینکه آن جامع خودشان را بزرگان و امرا

خوب حفظ نکردند، ضعف بر این قوم پیدا شد.^{۱۵}

ترقی و تعالی هر قومی به این خواهد شد که جامع میان خودشان را نگهداری کنند و به واسطه ترقی آن جامع ترقی کنند غرض اصلی ما یک جامعه ای است که یک قسمت بزرگ دنیا در آن جامعه شرکت دارد و آن اسلام است. ما خیلی همبستگی اسلامی خود را از دست دادیم بالأخره باید بیدار شده ، هوشیار شویم و جامعه خودمان را حفظ کنیم.^{۱۶}

استادان بزرگ ایشان چون آخوند خراسانی شیخ الشریعه اصفهانی و آیه الله سید محمد کاظم یزدی نیز امت اسلامی را به وحدت فرامی خواندند و به هنگام اختلاف بین شیعه و سنی همه توان خود را به کار می گرفتند تا اختلاف آنان را به همبستگی مبدل کنند.^{۱۷} روزنامه های نجف و ایران نیز که از علما و جریان مذهبی در مشروطیت خط میگرفتند، بر این مسأله تاکید فراوان میکردند.^{۱۸}

۱۵. مدرس، ج ۲، ص ۲۹۱؛ مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۳
۱۶. مدرس قهرمان، آزادی، ج ۲، ص ۶۸۳ در گفتگوی مدرس با صدر اعظم عثمانی وقتی او پیشنهاد میکند لباس سربازان ایرانی و ترک یکسان شود مدرس لبخندی میزند و می گوید: خیلی چیزها باید بشود، ولی متأسفانه نمی شود. مهم است که سربازان ترک و ایرانی یک دل شوند؛ زیرا ممکن است از جهت لباس هم رنگ شویم، ولی یک دل نباشیم (مدرس قهرمان آزادی، ج ۱، ص ۱۴۲ - ۱۴۳).
۱۷. درة النجف، جزء چهارم و پنجم غره رجب ۱۳۲۸ ق به نقل از نجف و فلسفه تجدد، ص برگی از تاریخ معاصر، ص ۷۹ - ۸۰ و ۹۷ و ۹۸؛ روزنامه ایران، نو سال دوم، ش ۶۱ محرم ۱۳۲۹؛ روزنامه مجلس، سال ۴۷، ش ۴۹، ۱۵ محرم ۱۳۲۹؛ العلم، ج ۲، ص ۲۸۴ - ۲۸۵.
۱۸. ر.ک: مجله، نجف سال، دوم ش ۱۱ و سال اول ش ۲۶ مندرج در حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران ص ۶۴۸ - ۶۴۸



المحيمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحدة

اخوت